



تصویر مینیاتور از خواجو - کار محمد باقر آقا میری برای
دانشگاه شهید باهنر کرمان - ۱۳۷۰ شمسی

چندی پیش نامه‌ای از پروفسور زین‌بانشن، رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن دریافت کردیم. ایشان علاوه بر ابراز محبت به مجله، نکته‌ای را راجع به پروفسور جانگ هوی تذکر داده بودند. خوشبختانه در این مورد نامه‌ای نیز از پروفسور جانگ هوی دریافت کردیم که تذکر پروفسور زین‌بانشن و تصحیح آن را در این نامه می‌خوانید.

مجله آشنا از هر دو استاد بزرگوار کمال تشکر و قدردانی را دارد و امیدوار است که همچنان از لطافت ایشان بهره‌مند باشد.

سر دبیر و مدیر مسئول آشنا:

سلام. توسط دانشگاه پکن مطلع شدم که مقاله‌ای بعنوان «نظامی گنجوی و چین» که من نوشته بودم در شماره هشتم آذر دی ۱۳۷۱ «آشنا» منتشر گردیده بود. از شما خیلی تشکر می‌کنم و امیدوارم که چند نسخه از این مجله را برای من بفرستید.

پس از این مقاله معرفی نامه‌ای درباره‌ی من انتشار یافت، از این رو بار دیگر از شما ممنونم. ولی چند جمله از این مقاله با سوابق من چندان تطبیق نمی‌کند که می‌خواهم در اینجا تصحیح نمایم:

۱- نوشته شد: «وی سالها در دانشگاه پکن آموزش زبان فارسی به دانشجویان و علاقه‌مندان زبان فارسی را در رأس کارهای خود قرار داد و تعداد زیادی دانشجوی آشنا به زبان و ادبیات فارسی را تربیت کرد.» در حقیقت من در دانشگاه پکن کار نکرده‌ام با اینکه دودوره آموزش زبان فارسی را در مدت کوتاه ترتیب دادم اما مناسبانه استاد آنجا نودم.

۲- نوشته شد: «پروفسور هوی همچنین پیش از ۱۰۰ مقاله راجع به ادب و فرهنگ فارسی در روزنامه‌ها و مجلات چین منتشر کرده است.» که صحیح آن این است: «در کل ۱۰۰ مقاله یا شعر از طرف من نگاشته و یا ترجمه گردیده و در روزنامه‌ها و مجلات و کتابهای مختلف چین منتشر شده است.» اما مقالات درباره ادب و فرهنگ فارسی، فقط قسمتی از نوشته‌ها و ترجمه‌های من بود.

همراه با این نامه مقاله‌ای بعنوان «خواجوی کرمانی و چین» و «شرح حال مختصر من» و «بزرگشاهای فرهنگ ایران و ترجمه‌های ادبیات فارسی» را برای شما می‌فرستم. اگر ممکن است همه اینها و همین نامه را در مجله «آشنا» منتشر نمایید از شما خیلی سپاسگزار خواهم بود.

با احترام زیاد
جانگ هوی
۳ ژانویه ۱۹۹۳

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علمی - جانگ هوی - جمهوری خلق چین

بعد از گشایش راه ابریشم، از دوهزار سال پیش مبادلات میان چین و ایران فقط منحصر به آوردن کالاهایی مثل سنگهای گرانبها، انار، انگور، انجیر و غیره یا حیواناتی مانند شیر از ایران به چین و ابریشم، ظروف چینی و غیره از چین به ایران نبوده است بلکه آشنایی مردم چین و ایران سال به سال بیشتر گردیده و دوستی عمیق و محکمی میان آنها برقرار شد؛ این مدعا نه تنها در کتابهای تاریخی ثبت شده بلکه در آثار ادبی نیز انعکاس یافته است.

در ادبیات فارسی بسیاری از شعرای قدیم ایران در آثار خود از چین یاد کرده‌اند؛ مثلاً، سعدی از کاشغر در منطقه غربی چین نام برده، حافظ از زیبارویان و مُشک خُتن (که در غرب چین قرار دارد) بارها سخن گفته، مولوی داستان نقاشان چین و روم را سروده، عمر خیام به

خواجوی کرمانی و چین

این نوشته‌ها ستمکاری و بیرحمی فغفور چین را بر ملا ساخته و با واقعیات تاریخی هم تطبیق دارد.

۴- دختران چین بسیار زیبا هستند:

شاعر همایون را اینطور توصیف کرد:

همایون بت روی مه پیکر است

که با وی پریزاد سیمین بر است

همایون، مانند پری، زیبا بود و همای از دیدنش بحیرت افتاد و بیهوش گشت.

من در مقاله «نظامی گنجوی و چین» این مطلب را بیان کرده‌ام که «منظور از دخترانی که نظامی در شعرهای خود تعریف و توصیف کرده دختران اویغور، اوزبک، قرقیز، تاجیک و ملیتهای دیگر سرزمین غرب چین است نه دختران چینی بطور عام.» (این نظر را هم می‌توان در اشعار خواجوی کرمانی ثابت کرد.

تضادفی نبود که خواجو شاهدخت چین، همایون، را بسیار زیبا توصیف کند. او در غزلیات خود نیز زیباترین دختران را به پتان تزار خننا تشبیه می‌کند. خننا اسم جغرافیائی قدیم - بنظرم همان شمال منطقه سین جیانگ کنونی چین بوده و منظور از تزار همان قراق - یکی از ملیتهای غرب چین میباشد. برای مثال به این غزل توجه کنید:

این دلبران که برده به رخ در کشیده‌اند
هر یک به غمزه برده خلقی در بده‌اند
از شیر و سلسبیل مگر در جوار قدس
اندر کنار رحمت حق برورده‌اند
از کلک نقشبند ازل بر بیاض چهر
آن نقطه‌های خال چه زیبا چکیده‌اند
با طوطیان روضه خلدند گویا
کز آشیان عالم علوی بریده‌اند
گویی مگر بتان تارند کز خننا
از بهر دل ربودن مردم رسیده‌اند

از این ابیات برمی‌آید که خواجو در زیبایی به دختران تزار مثال می‌زند.

گویی مگر بتان تارند کز خننا
از بهر دل ربودن مردم رسیده‌اند
و این دلبران چنان زیبا بودند که:

از کلک نقشبند ازل بر بیاض چهر
آن نقطه‌های خال چه زیبا چکیده‌اند

و این مستلزم آن است که ایرانیان سابقه آشنایی با دختران تزار را داشته باشند.

آیا در عشق ورزی جوانان ایرانی با دختران چینی دلیل تاریخی وجود دارد؟

بعد از گشایش راه ابریشم، بسیاری از کاروانهای ایران به این راه

فانوس خیال و خیمه شب بازی که از چین به ایران آورده شده بود، اشاره کرده و نظامی بیش از دیگران به چین پرداخته، از جمله مواردی که در شعر نظامی آمده است: مانی برای تبلیغ و اشاعه دین خود به چین آمد، ارشمیدس به کنیزک چینی عشق ورزید، شهر چین در داستان کاج زحل «هفت پیکر» زیبا توصیف گردیده و غیره.

ولی زیباترین داستان مستقل درباره چین و چینی‌ها که شاعران ایران به نظم آورده‌اند «همای و همایون» از خواجوی کرمانی است. این داستان درباره عشق شاهزاده ایران و شاهدخت چین نگاشته شده است. این اثر تخیل قوی شاعر را نشان می‌دهد و محتوای آن، پرمایه و جذب‌کننده است. این اثر نمونه خوبی است که ارتباط مردم ایران با خلق چین و دوستی بین آنها را منعکس می‌نماید.

در اینجا لازم نیست جریان این داستان را بطور مفصل بازگو کنم بلکه فقط می‌خواهم بخشهایی از اشعار خواجو را درباره چین مطرح نمایم و نشان دهم که چین از نظر خواجو چه نوع کشوری بوده است؟

۱- مناظر چین زیبا است:

مثلاً شاعر قصر همایون دخت فغفور چین را چون بهشت برین توصیف کرده است که در هوای خوش، نوای چنگ با نغمه بلبل می‌آیزد و بر لب رود ساغر می‌گیرد.

۲- تشریفات رسمی چین بسیار جدی است:

موقعی که شاهزاده هما، شاهدخت چین، همایون، را دید با اینکه دلش چون کبوتر تپید و چون مار بر خود پیچید، نمی‌توانست به همایون نزدیک شود، زیرا نگهبانان نعره دور باش برآوردند و از سر راه دورش کردند.

این تشریفات رسمی که در داستان ترسیم گردیده است با وضع واقعی قدیم چین اساساً مناسبت دارد. در زمان قدیم در چین، وقتی که تخت روان مأمورین عالی چین و ملتزمین رکاب از معاشر می‌گذشت، خدمتگزاران در جلو تخت روان پرچم مخصوصی که روی آن «دور باش» نوشته شده بود، بلند می‌کردند و در ضمن با صدای سنج مخصوص، مردم عادی را دور می‌ساختند.

۳- فغفور چین شیر و حیل‌گر بوده است:

بعد از آنکه شاهزاده همای نامه‌ای به فغفور چین فرستاد و از همایون خواستگاری کرد، فغفور چین دستور داد تا همایون را در زیر زمین زندانی کردند و صبح فردا ندا در دادند که همایون دخت فغفور چین چون مرغ وحشی از دام زندگی بیرون رفته و سوی باغ بهشت به پرواز درآمده است. چون این خبر به شاهزاده هما رسیده نعره‌ای زد و خروشان و جوشان به ایوان شاه آمد و شوریده‌حال در پیش تابوت:

گهی دست می‌کند و لب می‌گزید

گهی بر سر خاک و خون می‌تپید

گهی سربه تابوت برمی‌نهاد

گهی پیش تابوت سر می‌نهاد

چینیان با خواجوی کرمانی چندی است که آشنا شده‌اند. چه بعضی از آثار دیگرش به زبان چینی ترجمه گردیده است که عبارتند از:

۱- مه ۱۹۸۴- «داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی» نگارش دکتر زهرای خانلری که ترجمه جانگ هونگ نیان است به وسیله اداره نشریات مردم شان‌سی به چاپ رسید. داستان «هما و همایون» خواجوی کرمانی یکی از آنهاست.

۲- سپتامبر ۱۹۸۸- «برگزیده غزلیات فارسی» که جانگ هوی آنرا ترجمه نموده؛ به وسیله اداره نشریات آثار ترجمه شده شانگهای منتشر گردید. در این میان شرح حال مختصر خواجو و سه غزل او وجود دارد. پس از انتشار این «برگزیده» آقای سونگ شنگ و ناشر و مترجم مشهور چین در نامه‌ای به جانگ هوی نوشت: «سی سال پیش شعری از روسی ترجمه کردم که مضمون آن چیزهای دیده و شنیده شده در ایران بود. در این شعر سعدی، حافظ و خواجو مطرح شده است.

در آن زمان خواجو را چندان نمی‌شناختم. اما اکنون سه غزل خواجو و شرح حال مختصر او را خواندم، از اینجا دانستم که او «شاگرد» سعدی و «معلم» حافظ بود. این نشان می‌دهد در ادبیات جهان دانشهای نامعلوم زیادی هنوز برای من وجود دارد و باعث خوشوقتی است که از خواندن آثار ترجمه شده شما به چیزی آگاهی یافتیم و نمی‌دانم خوشحالی خود را به چه زبانی بیان کنم.»

۳- ژانویه ۱۹۸۸ «فرهنگ بزرگ ادباء جهان» بوسیله اداره نشریات مردم سی‌چوان انتشار یافت. ماده «خواجوی کرمانی که نگارش جانگ هوی هم در میان آن می‌باشد.»

۴- «فرهنگ علم شعر- جلد کشورهای خارجی» که ماده «خواجوی کرمانی» از طرف جانگ هوی نوشته شده است بزودی به وسیله اداره نشریات مردم آن‌هوی چاپ خواهد شد.

در این ماده بیوگرافی و آثار خواجوی کرمانی تشریح گردیده و نوشته شده است بزودی به وسیله اداره نشریات مردم آن‌هوی چاپ خواهد شد.

در این ماده بیوگرافی و آثار خواجوی کرمانی تشریح گردیده و نوشته شده است که «غزلیات و مقام‌الائی در تاریخ ادبیات فارسی دارد.» «او نقش ارتباطی را در میان دو شاعر بزرگ یعنی سعدی و حافظ ایفا کرد.»

۵- اداره نشریات لی‌جیانگ «رباعیات فارسی قدیم» را که بوسیله جانگ هوی ترجمه شد، بزودی منتشر خواهد کرد و در آن دو رباعی خواجوی کرمانی را در بردارد.

بنده امیدوارم آثار خواجوی کرمانی بیش از پیش بزبان چینی ترجمه شود و هم امیدوارم بتوانم در این مورد از دانشمندان ایران کمک بگیرم. تصور می‌کنم اگر خواجوی کرمانی در باغ قدس از همه اینها باخبر گردد حتماً مسرور خواهد شد. ●

سرازیر شدند. بعضی از بزرگانان ایران که به چین آمده بودند در چین اقامت گزیدند و به دختران چین دل بستند و ازدواج کردند و فرزندان وجود آوردند و تا پایان عمر در چین بسر بردند. حتی در حال حاضر باز هم می‌توان بعضی قبرستانها و کتیبه‌هایی از آنها مشاهده کرد. بعضی دانشمندان بر این نظرند که در میان ملیت هوی- یکی از ملیتهای چین- نوه‌های پارسیان وجود دارند. اما اکثریت بازگانان ایران به وطن خود برگشتند و بعضی از آنها زن چینی خود را با خود بردند. بدین ترتیب اگر داستان عشق ورزی جوانان ایرانی با دختران چینی در آثار ادبی آمده است، برای مردم حیرت انگیز نبوده است. پس چرا شاعر درباره عشق ورزی شاهزاده ایران با دخت فغفور چین چنین می‌سرود؟ البته این مربوط به قدرت تخیل شاعر است ولی در تاریخ هم می‌توان دلیلی پیدا کرد. در «سفرنامه مارکوپولو» نوشته شده است که در اواخر یک زمستان از ۱۲۶۳ تا ۱۲۹۱ او به همراهی شاهدخت مغولی که می‌خواست برای ازدواج به پارس برود از شهر چپوان جو برآه افتاد.

خواجوی کرمانی دارای قدرت تخیل فراوان بود ولی این قدرت تخیل مبتنی بر مطالعه بود. او آثار شعری قدیم را بعنوان کمک فکری مطالعه نمود. اگر ما «هما و همایون» را با «خسرو و شیرین» نظامی مقایسه کنیم، می‌توانیم وجوه تشابهی را بین این دو اثر پیدا نماییم. بعنوان مثال:

۱- هر دو، عاشق و معشوق، یکی از آنها شاهزاده و دیگری شاهدخت و یکی ایرانی و دیگری غیرایرانی بودند.

۲- در هر دو اثر عاشق با دیدن تصویری از معشوق به عشق او دچار شده است. و تفاوت در این است که در یکی شاهدخت تمثال شاهزاده را دید در دیگری شاهزاده تمثال شاهدخت را.

۳- در هر دو اثر شاهدخت طوری توصیف شده است که اشرافیت و هیبت را در خود حفظ کرده است.

با وجود این، در «هما و همایون» خواجو خلایقیت بسیاری وجود دارد. خسرو در زیر قلم نظامی فقط ظاهر شیرین را دوست داشت، نه خود شیرین را. بدین جهت او فرهاد- عاشق صادق- را در اثر اضافه نموده است. ولی هما در زیر قلم خواجو عاشقی بسیار وفادار است که مانع او با همایون تنها عامل عینی، یعنی جلوگیری فغفور چین است.

«هما و همایون» نه فقط یک داستان عاشقانه است بلکه دارای اهمیت عمیق‌تری است؛ یعنی شاعر از راه سرودن این داستان و بوژه از راه تعریف مناظر زیبای چین علاقه خود را نسبت به چین ابراز داشته است.

در ادبیات قدیم ایران آثاری که چین را توصیف نموده و یا درباره چین به رشته تحریر درآمده است کم نیست، ولی اثری که مستقیماً عشق ورزی چینی را با ایرانی تعریف می‌کند فقط «هما و همایون» است. بدین جهت من در اینجا صمیمانه احترام خود را نسبت به خواجوی کرمانی ابراز می‌دارم.